
تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۲۶

آیه ۲۳ - ۲۵

آیه و ترجمه

قالا ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرین ۲۳
 قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو و لکم فی الارض مستقر و متع الی حین ۲۴
 قال فیها تحيون و فیها تموتون و منها تخرجون ۲۵
 ترجمه :

۲۳ - گفتند: پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود.
 ۲۴ - فرمود: (از مقام خویش فرود آئید در حالی که بعضی نسبت به بعض دیگر دشمن خواهید بود (شیطان دشمن شماست و شما دشمن او) و برای شما در زمین قرارگاه و وسیله بهره‌گیری تا زمانی خواهد بود.
 ۲۵ - فرمود: در آن (زمین) زنده میشوید، و در آن میمیرید و از آن (در رستخیز) بیرون خواهید آمد .

تفسیر :

بازگشت آدم بسوی خدا

سرانجام هنگامی که آدم و حوا، به نقشه شیطانی ابلیس، واقف شدند و نتیجه کار خلاف خود را دیدند به فکر جبران گذشته افتادند و نخستین گام را اعتراف به ظلم و ستم بر خویشتن، در پیشگاه خدا قرار دادند و گفتند: پروردگارا! ما بر خویشتن ستم کردیم (قالا ربنا ظلمنا انفسنا).
 و اگر ما را نیامرزی و رحمت خود را شامل حال ما نکنی، از زیانکاران خواهیم بود (و ان لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخاسرین

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۲۷

و برای توبه و بازگشت به سوی خدا و اصلاح مفاسد نخستین گام این است که انسان از مرکب غرور و لجاجت پائین آید و به خطای خویش اعتراف کند، اعترافی سازنده و در مسیر تکامل.

جالب اینکه به قدری در توبه و تقاضای عفو، ادب نشان میدهند که حتی نمیگویند خدایا ما را ببخش (اغفر لنا) بلکه میگویند اگر ما را نبخشی از زیانکاران خواهیم بود!

شک نیست که هر گناه و نافرمانی پروردگار، ظلم و ستم بر خویشان است، زیرا همه برنامه‌ها و دستورات او همه در مسیر خیر و سعادت و پیشرفت انسان است، بنابراین هر گونه مخالفت با آن مخالفت با تکامل خویشان و سبب عقب ماندگی و سقوط خواهد بود، و آدم و حوا نیز اگر چه گناه نکردند، اما همین ترک اولی، آنها را از مقام والایشان فرود آورد.

گرچه توبه خالصانه آدم و همسرش در پیشگاه خدا پذیرفته شد و همانطور که در سوره بقره آیه ۳۷ میخوانیم فتاب علیه (خداوند توبه آنها را پذیرفت) ولی به هر حال اثر وضعی آن عمل، دامانشان را گرفت، و دستور خارج شدن از بهشت به آنها داده شد، و فرمود: فرود آئید در حالی که شما با یکدیگر (انسان و شیطان) دشمن خواهید بود (قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو).

و زمین تا مدت معینی قرارگاه و وسیله بهره گیری شما خواهد بود (ولکم فی الارض مستقر و متاع الی حین).

و نیز به آنها گوشزد کرد، که هم در زمین زندگی میکنید و هم در آن میمیرید، و از همان برای حساب در روز رستاخیز، برانگیخته خواهید شد (قال فیها تحیون و فیها تموتون و منها تخرجون).

ظاهر این است که مخاطب در آیه قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو آدم

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۲۸

و حوا و شیطان همگی هستند، ولی در آیه بعد بعید نیست مخاطب تنها آدم و حوا باشند، زیرا آنها هستند که از زمین برانگیخته میشوند
ماجرای آدم و دورنمای این جهان

گرچه بعضی از مفسران، که معمولاً تحت تاثیر افکار تند غربی قرار دارند، سعی کرده‌اند به داستان آدم و همسرش، از آغاز تا پایان چهره تشبیه و مجاز و کنایه و به اصطلاح روز سمبولیک بدهند و تمام بحثهای مربوط به این ماجرا را حمل بر خلاف ظاهر کرده، کنایه از مسائل معنوی بگیرند، ولی شک نیست که ظاهر آیات حکایت از یک جریان واقعی و عینی می‌کند که برای پدر و مادر نخستین ما واقع شد، و چون، در این داستان نکته ای وجود ندارد که نتوان آن

را طبق ظاهر تفسیر کرد، و با موازین عقلی سازگار نباشد، (تا قرینهای برای حمل بر معنی کنائی به دست آید) دلیلی ندارد که ما ظاهر آیات را نپذیریم و بر معنی حقیقی خود حمل نکنیم.

ولی با این حال این جریان حسی و عینی می تواند اشاراتی به زندگی آینده نوع بشر در این جهان، در برداشته باشد.

یعنی: در صحنه پرغوغای زندگی این جهان، انسانی که از نیروی خرد و غرائز سرکش ترکیب شده، و هر کدام او را به سوئی میکشد، در برابر مدعیان دروغین که سوابق سوء آنها همچون شیطان روشن است قرارداد و آنها سعی دارند با وسوسه های مداوم خود، پرده بر روی عقل و خرد او بیفکنند، و او را به امید آب به دنبال سراب در بیابان زندگی سرگردان سازند. تسلیم شدن در برابر وسوسه های آنها، نخستین نتیجه اش فرو ریختن لباس تقوا از اندام آدمی و آشکار شدن زشتیهای او است.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۲۹

نتیجه دیگرش دوری از مقام قرب پروردگار و سقوط از مقام والای انسانیت و رانده شدن از بهشت آرامش و امنیت و افتادن در سنگلاخهای زندگی و رنجهای حیات مادی میباشد.

در این موقع باز نیروی عقل می تواند به کمک او بشتابد، و به زودی به فکر جبران بیفتد، و او را به درگاه خدا بفرستد تا با شجاعت و صراحت، به گناه خویش اعتراف کند، اعترافی سازنده و آگاهانه که نقطه عطفی در زندگی او محسوب شود.

در این هنگام بار دیگر دست رحمت الهی به سوی او دراز میگردد و او را از سقوط همیشگی رهائی میبخشد اگر چه کم و بیش، گرفتار آثار تلخ وضعی گناه خود خواهد بود، ولی این ماجرا درس عبرتی برای او خواهد شد، و می تواند از این شکست پایه های پیروزی زندگی آینده خود را محکم کند و از این زیان سود سرشاری در آینده ببرد.